

ویژه هفدهم رمضان الکریم

جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

روز شمار مهمان ماه خوب خدا

روز شمار مهمان ماه خوب خدا



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی خواجه نصیرالدین طوسی

بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی

معاونت فرهنگی
جهاد دانشگاهی

ماهی هفت پرده

روزشمار مهمانان ماه خوب خدا

صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: عادل تقوی
سردبیر: پویا پایداری
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللهی
خطاط: استاد سید محمد جاویدان
توصیه های اخلاقی: آیت الله محسن غروی
تفسیر قرآن: پویا پایداری
مروری بر نهج البلاغه: فرزانه بزرگیان
برداشت فلسفی: حمید امیدی
انتخاب اشعار: احمد راهداری
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی
داستان کوتاه: حسین رهاد
معرفی کتاب: بهاره راد
انتخاب موسیقی: سمانه عنبری
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی
و پوریا جوادی



نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:

www.roytab.ir



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی عواید نصرالدین طوسی



معاونت فرهنگی

وَأَقْضِ الْخُفْيَةَ الْخَوَافِجَ وَالْأَمَانَ



بیداری در خواب

همه و همه حاکی از این حقیقت است، انسان در خواب هم بیدار است و رویت دارد

تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی. ما نیکو کاران را چنین نیکو پاداش می‌دهیم..... سوره صافات آیه ۱۰۵
دیدن در خواب را رویا نامیدند چرا که از جنس رویت است

رویا، سیر عالیبه روح در فراغت از بدن است که یا بعد از این سیر باز می‌گردد به بدن یا از حضور در مرتبه دنیا باز می‌ایستد

رویا چه از جنسی لطیف باشد چه اضغاث احلام واقعیتی است انکار ناپذیر چون رویای احمد در مژده ورود به مطاف بیت الله و فتح مکه مکرمه یا رویای شجره ملعونه و غصب منبر شریعت بعد از رحلت نبی و به عبارتی همان شهود سیر معراجیه یا فرمان ذبح قربانی بزرگ در رویای ابراهیم یا رویای سجده ماه و خورشیدو ستارگان بر یوسف پیامبریا تاویل رویای هفت گاو و هفت خوشه گندم والی مصر همه و همه حاکی از این حقیقت است، انسان در خواب هم بیدار است و رویت دارد و هرکس به حسب ظرف و ظرفیت خود از این رویت بهره می‌برد که سهمش یا فرمانی الهی است، یا شهود حقایق است، یا تاویل وقایع محرومیت و توهمات است
در این میانه ی میدان سهم ما کدام است!؟

پویا پایداری



تفسیر

رنگ رؤیا زده‌ام بر افق دیده و دل

تا تماشا کنم آن شاهد رؤیایی را

شهریار



آیت الله محسن غرویان

توصیه اخلاقی

کاشف حقایق هستی

آینه دل را صیقلی کنیم تا رویاهای ما کاشف از حقایق هستی باشند...

رویا درجه ای و مرتبه ای از وحی هست، **رویا** راهی به عالم غیب هست و دل ما همچون آینه ای است که در عالم **رویا** پاره ای از حقایق عالم هستی، در آن منعکس می‌شود هر چه آینه دل ما، صاف‌تر و صیقلی‌تر باشد؛ انعکاس حقایق غیبی در این آینه، جلی‌تر و روشن‌تر خواهد بود. **رویا** به دو قسم تقسیم می‌شود: رویای صادق و رویای کاذب. رویای صادق از آن کسانی است که آینه ی دل آنها، صاف و صیقلیست، زنگار ندارد، حقایق در آن به خوبی منعکس میشود.

رویا کاذب ناشی از دل غیر صیقلیست، اگر آینه غیر صیقلی و غیر صاف باشد، تصویر اشیاء را خوب منعکس نمیکند؛ بنابراین ما در ماه مبارک رمضان می‌توانیم دل را صاف کنیم، آینه دل را صیقلی کنیم تا رویاهای ما کاشف از حقایق هستی باشند؛ تا ما را به عالم مثال، به عالم غیب، به عالم مجردات مثالی و مثال منفصل رهنمون باشند



حمید امیددی

برداشت فلسفی

رمضان ۱۴۴۲ قمری

جمعه ۱۰ اردیبهشت

فرزانه بزرگیان



مروری بر

نهج البلاغه

بر هم زننده تصمیم های روز

بر هم زننده تصمیم های روز

خطبه ۲۴۱

خدا شکر گزاری را بر عهده شما نهاده و امر حکومت را در دست شما گذارده و فرصت مناسب در اختیارتان قرار داده است، تا برای جایزه بهشت با هم ستیز کنید، پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید، که به دست آوردن ارزش های والا با خوشگذرانی میسر نیست! چه بسا خواب های شب که تصمیم های روز را از بین برده و تاریکی های فراموشی که همت های بلند را نابود کرده است. در کتاب هفت عمق آگاهی آمده: "یک رویا بین واقعی، رویا ساز هم هست. او توانایی ساختن رویا و حتی دخل و تصرف در آن را دارد. رویا سازی آنگاه که برای رشد و شکوفایی رهرو، بنا شود، الهی و آنگاه که برای فریب و استثمار باشد، شیطانی است. شیاطین جن و انس همواره برای قربانیانشان رویا می‌سازند و با وسوسه آنها را وادار به ورود به آن می‌کنند... آرمان شهرهای موهوم، رسیدن به قدرت ماورایی، برخورداری از ثروت های افسانه ای و نیل به امیال شهوانی، از این دست رویاها به شمار می‌روند. پروردگارا یاریم نما تا در طریق خشنودی تو قدم گذارم... تا امروز آغازی باشد برای رویاهای بهشتی ام... تحول را به خانه ام مهمان کن و نسیم دلنواز شعور و معرفت و دلدادگی به خودت را بر من جاری ساز تا از این قفس تنگ مادی رها شوم و چون رویاهایم به هوای کوی تو پر وبال بزنم.

آرمان شهر

رویایا به همان اندازه واقعیت دارند که واقعیتها رویانند... برای من واقعیت و رویا همیشه یک چیز درهم تنیده بوده، خیلی جدا نبودن؛ یعنی زندگی هم اینجور می بینم، با بودن تولد و بعد مرگ در واقع خود زندگی هم رویایی بیش نیست، و علاوه بر به قول برادر شاعرمون، آقای دکتر قیصر امین پور بخشی از شعر زیباشون این هست:

خدا روستا را، بشر شهر را، ولی شاعران آرمان شهر را آفریدن.

این آرمان شهر چطوری آفریدن شاعرها؟ مصالح این آرمان شهر چیه؟ همین رویا، همین امیدها، همین آرزوهایی که شاید گاهی با واقعیتها بسیار فاصله داشته باشند ولی اگر نباشند، زندگی خیلی سخت تر از اینی هست که الان هم هست. بنابراین من مادرم را از دست دادم و این قانون زندگی است و اینکه خیلی ها براشون پیش آمده و انشالله برای هر کی پیش نیامده، همیشه باشند در کنار مادرشون، باشند در کنار عزیزانشون؛ برام فوق العاده سخت بود فوق العاده، ولی رویاها نجاتم دادن و خیلی هم راحت میتونم مادرم رو در ذهنم مجسم کنم، مثلا همین الان مادرم رو با یک چادر مشکی گل دار و با چهره ای که همیشه دوست دارم، چهره میانسالیش و الان داره به من لبخند میزند و این یک رویاست و یک تخیل است و هر اسمی دیگه ای که برایش بزاریند ولی شدیداً این حس در من قوی است و بعد در خوابهام مادرم را در زیبا ترین شرایط، با مهربانی های اونجوری و طبیعتی که بهش عشق می ورزم می بینم و کاملاً حس میکنم باهاش دارم زندگی میکنم؛ صبح که پا میشم کلی شارژم، چون ببینید واقعیت اینه، همین مادری که داشتیم زیباترین ارتباطات عاطفی که باهاش داشتیم؛ وقتی این احتمال رو میدم که ایشون دیگه نباشه و اینها نخواهند بود و تبدیل میشه مادر به یک رویا؛ ولی اون رویا اینقدر زنده است که میتونه جای خالی مادر را برام خیلی پر کنه؛ خیلی یعنی از نظر حسی و احساسی اشباع میشم، نهایتاً میخوام بگم که رویاها به همان اندازه واقعیت دارند که واقعیتها رویانند، ان شالله رویاهای خوب داشته باشیم، رویاهایی که آما و آرزوهاتون در آن هست و شما را وقتی که دنیا خیلی بی انصافه و خیلی دوره واقعیت ها، از آن ایده آل ها، از آن آرمانها از آن زیبایی ها که در بهشت به ما وعده اش رو فقط دادند، بتونید با رویاهایی که بهشتی و زیباست چه فردی، چه احساسی عاطفی، چه اجتماعی خودتون رو تسکین بدید



گفتگو

خانم دکتر
فاطمه رازی

روز باقیست به پایان مهمانی



سفر
آئینی

زینب یوسفی



میزان
فرمان انسان
فرزین پور محبی

امامزاده سید جعفر محمد (ع)

پایگاهی برای مراسم و آیین های ماه مبارک رمضان شهر یزد

امامزاده سید جعفر نوه امامزاده «ابوجعفر محمد» منسوب به امام جعفر صادق (ع) می باشد که در مدخل شهر و نزدیکی یکی از دیدنی های شهر یزد، دروازه قرآن، قرار دارد و قدمت آن به قرن پنجم هجری باز می گردد. از آنجایی که ایشان سید محترم و گران قدری بوده، مردم شهر یزد بقعه ای تاریخی و عرفانی را برای یادبود وی بر سر تربتش بنا نهاده اند و این محل از گذشته تا به امروز محل عبادت و زیارت مردم یزد، به ویژه در ایام مذهبی بوده است.

آستان مقدس امامزاده هم اکنون شامل حرم، مسجد و دو شبستان قرینه غربی و شرقی، با گنبدی بزرگ و متصل به حرم می شود. انجام نذورات در آرامگاه امامزاده سید جعفر یزد، یکی از جاذبه های مذهبی این استان می باشد که گردشگران زیادی را به سوی خود فرا می خواند.

امامزاده سید جعفر محمد (ع)، یکی از ۶ امامزاده برتر کشور و بزرگ ترین امامزاده استان یزد از نظر زیرساخت و ورود زائران می باشد که در تاریخ ۲۳ فروردین ماه سال ۱۳۷۸ هـ ش با شماره ۲۳۲۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

همه ساله مراسم معنوی احیای شب های قدر در ماه مبارک رمضان با حضور اقشار مختلف مردم دارعباده یزد در امامزاده سید جعفر محمد (ع) همراه با قرائت دعای افتتاح و جوشن کبیر، ذکر استغفار و مراسم قرآن بر سر گذاشتن در این مکان مقدس برگزار می شود.

دندان روی جگر گذاشتن چسباندن نان به تنور سرد!

همانگونه که آرزو بر بنی آدم عیب نیست اجابت شان هم برای حی توانا عار نیست...

میزان فرمان انسان بادعای روز هفتم ماه مبارک رمضان

چیزی که در این دعا حجت را تمام می کند حاجت و آرزویی است که بشر از خدا طلب می کند. آرزو و رویا دخترانی هستند به ظاهر انگ هم؛ اما یکی سر به راه است و دیگری سرکش و سر راهی! یکی تو را در اوج ناامیدی پیدا می کند آن دیگری با وعده و وعید گرفتار حلقه بلا می کند. حاجت یعنی نیاز به زدن لقمه ای به بدن و آرزو یعنی امید به زدن نان در روغن اما... رویا یعنی چسباندن نان به تنور سرد! اولی و دومی ممکن و ستودنی، آخری، عجیب است و نشدنی ... خدا به سر شاهد است؛ برای متخصص کن فیکون؛ اجابت هر چیز محال هم؛ ممکن است! این درست که حکم رب اساسش دل است اما پایه حکمتش دلی نیست و این نیست که هر خواستنی توانستنی است!

همانگونه که آرزو بر بنی آدم عیب نیست اجابت شان هم برای حی توانا عار نیست. اما بر آوردن خیال و رویا برای آفریننده دنیا؛ با اینکه مشکل و شاق نیست ولی چون این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست؛ در این مورد خاص خدا اهل تعارف با بنده اش نیست! پس بی عده و وعده با آن توقع و عقده کاری می کند که انگار از اولش نبوده و نیست! خواندن درس «بابا نان داد» در سن ۳۰ سالگی ناز است و ادا و این خیال و رویا؛ مستحق بافتن است و درخور ناسزا! پس، از خدایی که بزرگ است و در این نزدیکی است می خواهیم آرزوهای بزرگ و هر چقدر دورمان را به شرط داشتن منطق و رسیدن زور جنبه از سوی ما، بر آورده سازد با کرمش بسیار.

خدایا، مرا در این ماه به سوی کارهای شایسته هدایت فرما و حاجت‌ها و آرزوهایم را برآور، ای آن که نیاز به روشنگری و پرسش ندارد، ای آگاه به آنچه در سینه جهانیان است بر محمد و خاندان پاکش درود فرست.

گردآوری:
ارشیا عبدی



از
دیدگاه شما



بهاره راد

معرفی
کتاب



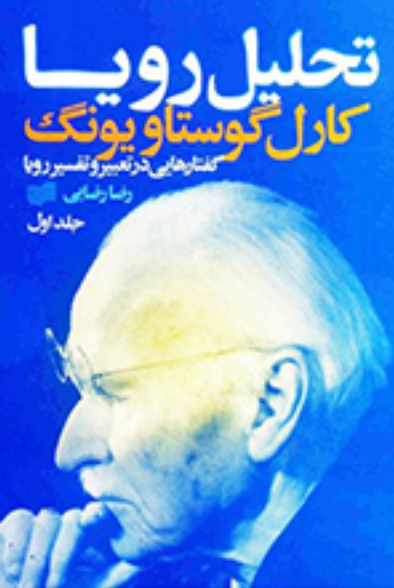
تحلیل رویا

تحلیل رویا

کارل گوستاو یونگ فیلسوف و روان‌پزشک سوئیسی بود که بسیاری معتقدند آنچه فروید ناگفته گذاشته را او تکمیل کرده است. رویکرد رادیکال یونگ در زمینه روان‌شناسی تاثیر شگرف بر این علم در سطح جهانی داشته است. او اولین روان‌شناس مدرنی است که معتقد است انسان ذاتاً مذهبی است. یونگ بسیاری از معروف‌ترین مفاهیم در روان‌شناسی را ابداع کرده است. مفاهیمی چون ناخودآگاه جمعی، سایه‌ها، پرسونا، عقده‌ها، آنیما، آنیموس و ... تحلیل رویا بخشی متمایز و بنیادی از روان‌شناسی تحلیلی است، مکتبی روان‌شناسی که توسط کارل گوستاو یونگ و شاگردان و جانشینان وی تاسیس شد. این کتاب دیدگاه‌های خردمندانه‌ی یونگ را در زمینه‌ی مطالعه رویاها و معنای آنها جمع‌آوری می‌کند.

مقالات این کتاب که توسط کارل گوستاو یونگ در بین سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۴۵ نوشته شده است، اساسی‌ترین دیدگاه‌های یونگ در مورد خواب دیدن را نشان می‌دهد - خصوصاً در مورد رابطه‌ی بین زبان و رویا. یونگ از طریق این مطالعات درک کرد که رویاها خود یک زبان هستند، زبانی که روح از طریق آن با بدن ارتباط برقرار می‌کند.

این کتاب شامل مقالاتی چون "تحلیل رویاها"، "در مورد اهمیت تعداد رویاها"، "جنبه‌های عمومی روان‌شناسی رویا"، "در مورد ماهیت رویاها"، "استفاده عملی از تجزیه و تحلیل رویا" و "تمادگرایی رویایی فردی" در رابطه با کیمیاگری می‌باشد. کتاب تحلیل رویا اثر کارل گوستاو یونگ توسط رضا رضایی ترجمه و در نشر افکار منتشر شده است.



اتفاقات و افکاری که در طی روز و یا طول عمر زندگی، در ضمیر ناخودآگاه شما نقش بسته اند. در قالب رویا به صورت‌های مختلف نمایان می‌شوند. من خودم به شخسه سعی میکنم با ایجاد عادت‌های مثبت و کارهای درست، ضمیر ناخودآگاه خودم رو از اتفاقات مثبت پر کنم

رویا با آرزو فرق داره دست یافتن بهش خیلی سخته، مثلاً من فکر میکنم اگر به رویاهام برسم، همه چی برام خوشایند و لذت بخشه، همون خوشبختی ابدی شاید، حالا مادی ممکنه باشه یا اوج این رسیدن همون لذت معنوی باشه

شاید از زندگی خسته بشی واز همه چیز و همه کس اما از رویاهات هرگز خسته نخواهی شد

به نظر من یکی از جاذبه‌ها و نعمت‌های بزرگ این دنیا، رویا هست بخاطر اینکه آدم میتونه هر چیزی که در ذهنش هست وخواستش هست رو ممکن ببینه.

بعضی از آدمها هدفهاشونو تو رویاهاشون میبینن ولی خب همه رویا که به حقیقت نمیرسن

بعضی از آدمها هدفهاشونو تو رویاهاشون میبینن ولی خب همه رویا که به حقیقت نمیرسن

حسین رهاد



داستان
کوتاه

روغن نباتی

«آفتاب از کدوم ور نور افشونی کرده که تو از فوتبال دل کندی؟!»

جواد فیچیلی کفش‌های جیری‌اش را دو متر مانده به در پرتاب کرد و مثل دونده‌ای آفریقایی خودش را به یخچال درب و داغون خانه‌شان رساند. آرنجش را وسط نان لواش گذاشت و از وسط نصفش کرد. آن نصفه‌ی دیگر را در حلب روغن نباتی فرو کرد و بر روی نان‌ش کشید. دوباره با سرعت تمام و همانطور که لقمه‌ای را نشخوار می‌کرد از خانه خارج شد. توی راه مادرش اعظم را دید که دبه‌ای را به دوش می‌کشد و زانوهایش با هر قدمی به پایین خم می‌شود. سریع خودش را پشت دیوار قایم کرد و گازی دیگر از ساندویچش زد. نفس نفس می‌زد و قلبش به سینه‌اش مشت می‌کوبید. لحظه‌ای چشم‌هاش را بست و به سمت مادرش رفت و دبه را به خانه برد. سپس با تمام توانش به سمت زمین فوتبال دوید. به سر کوچه که رسید دید بچه‌ها تیم‌ها را کشیده‌اند و در حال بازی هستند. جواد پاهای عرق کرده‌اش را توی کفش‌های جیری‌اش سُراند و صدای قرچ‌قرچی کرد و با گوش‌های افتاده از کوچه رو برگرداند. حسن کله از پنجره‌ی بالای سرش هواری کشید و جواد فیچیلی یک متر جفت زد. حسن کله سرش را بالا و پایین می‌کرد و خوشحال بود. جواد با شانه‌های خمیده و قدم‌های کوتاه راه خانه را پیش گرفت. به محض این‌که جواد وارد خانه شد اعظم با تعجب به جواد گفت: «آفتاب از کدوم ور نور افشونی کرده که تو از فوتبال دل کندی؟!» جواد خودش را روی بالشت وسط حال ول داد و با شکم روش افتاد و گفت: «دیر رسیدم تیما را کشیده بودن نامردا. اگه می‌موندم باید عین کره‌خرای یتیم یه گوشه می‌نشستم.» اعظم از حرف جواد خنده‌اش گرفت و با صدای بلند قهقهه زد. جواد که تا قبل از آن به برج زهرمار می‌مانست از خنده‌ی مادرش خنده‌اش گرفت. دوتایی با هم یک دل سیر خندیدند. اعظم همان‌طور که صورتش را می‌مالید گفت: «خدا ذیلت نکنه، خیلی وقت بود اینجوری نخندیده بودم.»